

و توضیح مفاهیم آیه آغاز، و پس از آن روایاتی از معصومین (ع) در تفسیر آیات ذکر شده است. در مواردی نیز روایات شأن نزول با بخش تفسیری آیه در هم آمیخته است (برای نمونه، نک: ص ۴۷۷-۴۷۹). معنای شیعه (ص ۳۰۷-۳۱۰)، معنای رافضی (ص ۳۱۰-۳۱۱)، تقیه (ص ۳۲۰-۳۲۴)، فضایل برخی از صحابه از جمله خباب بن ارت (ص ۶۲۳-۶۲۴) و عمار بن یاسر (ص ۶۲۴-۶۲۵)، بخشی از موضوعاتی است که در این تفسیر در حاشیه تفسیر آیات ذکر شده‌اند. برخی از نکات تفسیری از جمله تفسیر شجره ممنوعه (بقره ۳۵/۲) به شجره علم محمد (ص) و اهل بیت ایشان (ص ۲۲۱-۲۲۲) از اختصاصات این تفسیر است. علاوه بر این برخی از روایات این تفسیر مورد عنایت خاص علمای متأخر امامیه قرار گرفته است (برای نمونه، نک: ص ۲۹۹-۳۰۱). نکات تأویلی (برای نمونه، نک: ص ۲۶۰، ذیل «و قولوا حطّة»)، توجه خاص به مقام حضرت علی (ع) و ذکر معجزاتی همپایه معجزات پیامبر (ص) (برای نمونه، نک: ص ۱۶۵-۱۷۶، ۱۹۲-۱۹۴) از دیگر ویژگیهای این تفسیر است.

در منابع رجالی گزارشهای مختلفی از این تفسیر وجود دارد. ابن غضائری در کتاب *الضعفاء* خود، استرآبادی را فردی ضعیف و کذاب معرفی می‌کند که ابن بابویه تفسیری را به نقل از او، از دو فرد مجهول به نامهای یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار، از پدرانشان از ابوالحسن الثالث، روایت کرده است (نک: قهپایی، ۲۵/۶؛ تفرشی، ۳۲۸-۳۲۹). ابن غضائری این تفسیر را متنی موضوع از سهل دیباجی از پدرش می‌داند که مشحون از روایات منکر است (همو، ۳۲۹؛ نیز نک: علامه حلی، ۲۵۶، قس: نوری، ۱۹۴/۵).

هر چند که سند نام برده در کلام ابن غضائری با سند تفسیر موجود مطابقت دارد، اما برخی از اطلاعاتی که ابن غضائری از این تفسیر به دست می‌دهد، با اطلاعات موجود در تعارض است. از جمله آنکه وی تفسیر را به ابوالحسن الثالث (ع)، امام دهم (ع) انتساب می‌دهد (نوری، ۱۹۵/۵؛ خویی، ۱۵۷/۱۷؛ حرعاملی، ۲۰/۵۹). بر خلاف نظر ابن غضائری، در سلسله سند تفسیر موجود نامی از سهل دیباجی و پدرش نیامده است (همانجاها). اختلافات موجود میان گزارش ابن غضائری و تفسیر موجود و سیره علما در عدم اعتماد بر تضعیفات وی (نک: نوری، ۱۹۴/۵)، همچنین عدم اثبات انتساب کتاب *الضعفاء* به ابن غضائری (خویی، ۱۵۶/۱۷)، گزارش وی را بی اعتبار نشان می‌دهد.

گزارش دیگری از این تفسیر در *معالم العلماء* ابن شهر آشوب ثبت شده است. ابن شهر آشوب، تفسیری ۱۲۰ جلدی به نام تفسیر *العسکری* به املاي امام (ع) را از جمله کتابهای حسن بن خالد برقی معرفی می‌کند (ص ۳۴). نوری گزارش ابن غضائری را حاکی از عدم انحصار سند این تفسیر در استرآبادی می‌داند و

mistisizma Sheikhha Nadzhm-addina Kubra, Meshed/Ashkhabad, 2001; id, *Contemporary Iranian Trends in Understanding of Qur'an*, a research program proposed to the Institute of Ismaili Studies, London, Report submitted 2004; id, «The Contribution of Eastern Iranian and Central Asian Scholars to the Compilation of Hadiths», *History of Civilizations of Central Asia*, UNESCO, Paris, 2000, vol. IV(2); Peerwani, P., «Isma'ili Exegesis of the Qur'an in al-Majalis al-Mu'ayyadiyy of al-Mu'ayyad fi al-Din al-Shirazi», *Proceedings of the 1988 Conference on Middle Eastern Studies...* Leeds, Oxford, 1988; Petráček, K. et al., *Arabské, turecké a perzské rukopisy univerzitnej knižnice v Bratislave*, Bratislava, 1961; Rahbar, M. D., «Sir Sayyid Ahmad Khān's Principles of Exegesis», *Muslim World*, 1956, vol. XLVI; Razi Khan, J., *An Analytical and Critical Approach to Qur'anic Comprehensions in Indian Subcontinent During Last Two Centuries*, PhD Thesis Presented at Imam Sadiq University, Tehran, 2007; Riddell, P., «Controversy in Qur'anic Exegesis and its Relevance to the Malayo-Indonesian World», *The Making of and Islamic Political Discourse in Southeast Asia*, Clayton, 1993; Rippin, A., *Approaches to the History of the Interpretation of the Qur'an*, Oxford, 1988; id, «The Present Status of Tafsir Studies», *Muslim World*, 1982, vol. LXXII; Samso Moya, J., «Problemas lingüísticos de la nahda vistos a través de algunos textos autobiográficos de Muhammad 'Abduh, Ahmad Amin y Taha Husayn», *Orientalia Hispanica*, 1974, vol. I; Setiawan, M.N.Kh., «The Literal Interpretation of the Qur'an: A Study of Amin al-Khuli's Thought», *Quranic Studies on the Eve of the 21st Century*, Leiden, 1998; Sochrweide, H., *Verzeichnis der orientalischen Handschriften in Deutschland: Türkische Handschriften*, Wiesbaden, 1974; Van Ess, J., *Ungenützte Texte zur Karramiya*, Heidelberg, 1980; Vernet, J., «La Exegesis musulmana tradicional en los coranes aljamiados», *Actas Coloquio internacional sobre literatura aljamiada y morisca*, Madrid, 1978; Wansbrough, J., «Majāz al-Qur'ān: Periphrastic Exegesis», *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 1970, vol. XXXIII; id, *Quranic Studies*, Amherst/New York, 2004; Zammit, M.R., *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*, Leiden, 2002.

احمد پاکتچی

تفسیر امام حسن عسکری (ع)، تفسیری منسوب به

امام حسن عسکری (ع) (۲۳۲-۲۶۰ ق/۸۴۶-۸۷۴ م)، امام یازدهم شیعیان. تفسیر حاوی یک خطبه، تفسیر سوره حمد و تفسیر بخشی از سوره بقره است. قطعه اول تفسیر، شامل تفسیر استعاذه، بسم الله الرحمن الرحيم، سوره فاتحه و تفسیر سوره بقره تا پایان آیه ۱۱۴ است (نک: //تفسیر...، ۱۳-۵۶۷). در قطعه دوم، تفسیر آیات ۱۵۸ تا ۱۷۹ (همان، ۵۶۹-۶۰۰) و در قطعه سوم، تفسیر آیات ۱۹۸ تا ۲۱۰ سوره بقره آمده است (همان، ۶۰۱-۶۳۳). قطعه چهارم (همان، ۶۳۴-۶۷۷) که آخرین بخش موجود از این تفسیر است، تفسیر آیه ۲۸۲ سوره بقره را شامل می‌شود. میان قطعه اول و دوم این تفسیر ۴۳ آیه، قطعه دوم و سوم ۱۸ آیه و قطعه سوم و چهارم ۷۱ آیه از سوره بقره مفقود است.

تفسیر حاوی اخبار و روایاتی از معصومین (ع) به نقل از امام حسن عسکری (ع) است. متن تفسیر به روایت یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار از امام حسن عسکری (ع) در دست است (همان، ۹)، ابن بابویه این تفسیر را از محمد بن قاسم مفسر استرآبادی از دو فرد یادشده از امام حسن عسکری (ع) روایت می‌کند (//تفسیر، همانجا). بنا بر اظهارات دو راوی، تفسیر املاي امام حسن عسکری (ع) بر این دو راوی است که ۷ سال زمان برده است (همان، ۱۲-۱۳). تفسیر آیات غالباً با شرح

نقل می‌کند (نک: النبوة، ۱۶۷، ۳۲۵، الخصال، ۴۸۴/۲). در دو طریق یادشده لفظ «ابویهما» و «اییه» در سند روایات آمده است؛ در حالی که در خطبه آغازین التفسیر (نک: ص ۹-۱۳) و در قسمتهایی از متن آن (به عنوان نمونه، ص ۳۱۶، ۳۶۳، ۴۷۵) تصریح به روایت بی‌واسطه یوسف بن محمدزیاد و علی بن محمد ابن سیار از امام (ع) شده است. آقابزرگ (۲۹۳-۲۹۲/۴) لفظ «ابویهما»ی موجود در سند تفسیر را از اضافات استرآبادی می‌داند که آن را به هدف وصف ولادت دو فرزند بر تشیع افزوده است. آقابزرگ (۲۹۳/۴) بر این باور است که ابن بابویه، با درک مراد استرآبادی از این عبارت، آن گونه که شنیده، روایت کرده است. ولی راویان پس از ابن بابویه، پنداشته‌اند که مراد استرآبادی از این عبارت، روایت دو فرزند از پدرانشان است. از این رو لفظ «ابویهما» را در تمام سندهای روایات ابن بابویه از این تفسیر افزوده‌اند. اما شوشتری این نظر را تکلف‌آمیز می‌داند و با اشاره به کثرت وجود این لفظ در روایات ابن بابویه از این تفسیر، التزام به این نظر را ممکن نمی‌داند (۲۱۴-۲۱۳/۱). طبرسی با زیادت پنداشتن لفظ «ابویهما»، آن را از سند روایاتش از این تفسیر حذف کرده است (نک: ۶/۱ پی).

علمای امامیه، پس از ابن بابویه، برخی با استناد به ضعف سند این تفسیر، آن را بی‌اعتبار شمرده‌اند (به عنوان نمونه، نک: علامه حلی، ۲۵۶-۲۵۷؛ شوشتری، ۱۵۲/۱ پی). برخی نیز با استناد به اعتماد ابن بابویه بر این تفسیر و راویان آن، این تفسیر را صحیح و قابل استناد دانسته‌اند (به عنوان نمونه، نک: مجلسی، محمدتقی، ۲۵۰/۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، ۲۸/۱؛ حرعالملی، ۲۰/۵۹-۶۰). با این همه، آنان که صحت این تفسیر را پذیرفته‌اند، وجود برخی مطالب خلاف مسلمات تاریخی در این تفسیر را تأیید می‌کنند (نوری، ۱۹۷/۵).

تفسیر مزبور توجه مفسران تفاسیر اثری را به خود جلب کرده است. مفسرانی همچون بحرانی (۳۱/۱)، فیض کاشانی (۴۸/۱)، بروجرودی (۱۷۱/۱)، ۲۱۶-۲۱۷، ۲۲۹، جم) با پذیرش صحت انتساب این تفسیر، آن را جزو منابع تفسیری خود قرار داده‌اند. حویزی نیز بدون اشاره به نام این تفسیر به نقل از منابع دیگر، از این تفسیر روایاتی را نقل کرده است (۹۱-۹۰/۱، ۱۰۷-۱۰۹، جم). به رغم اعتماد متأخران به این تفسیر، در تفاسیر همعصر آن همچون علی بن ابراهیم قمی و عیاشی، اشاره‌ای به این تفسیر یا مضامین خاص آن نشده است. همچنین این تفسیر توجه و اقبال دیگر تفاسیر را نیز جلب نکرده است.

این تفسیر اولین بار در ۱۲۶۸ق در تهران به چاپ رسیده است. چاپ اخیر این تفسیر نیز در قم (۱۴۰۹ق) صورت گرفته است. از این تفسیر ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی در دست است. آقابزرگ ترجمه‌های میرزا ابوالقاسم حسینی ذهبی

تفسیر موجود را از اجزاء تفسیر ۱۲۰جلدی بر می‌شمارد (۵/۱۸۸، ۱۹۶). برخلاف وی آقابزرگ تهرانی در الذریعه از دو تفسیر عسکری یاد می‌کند (۲۸۳/۴-۲۹۳). وی تفسیر برقی را به ابوالحسن الثالث (ع) نسبت می‌دهد (۲۸۳/۴) و با ارائه دلایلی در صدد اثبات امکان روایت حسن بن خالد برقی از امام دهم (ع) و عدم امکان روایت وی از امام حسن عسکری (ع) است (همو، ۲۸۳/۴-۲۸۴).

با توجه به اینکه تفسیر موجود در بردارنده بخش کوچکی از تفسیر کل قرآن است و ظاهراً اجزاء دیگر این تفسیر مفقود است، بعید به نظر نمی‌رسد که تفسیر موجود بخشی از تفسیر ۱۲۰جلدی باشد که ابن شهر آشوب آن را از جمله کتابهای حسن بن خالد می‌داند. ابن شهر آشوب تنها فردی است که تفسیر عسکری را در ۱۲۰جلد گزارش می‌کند. منقولات وی از تفسیر موجود در مناقب نیز حاکی از آن است که وی نسخه تفسیر موجود را در اختیار داشته است (۹۴-۹۲/۱). از این رو قطعاً در صورت تعدد تفاسیر، وی گزارشی از آنها ثبت می‌کرد. مؤید دیگری که این نتیجه را تقویت می‌کند و عدم ارائه دلیلی قانع‌کننده بر تعدد تفاسیر از سوی طرفداران این نظر است. دلایل آقابزرگ (۲۸۴-۲۸۳/۴) در اثبات حضور حسن بن خالد در محضر ابوالحسن الثالث (ع) برای حضور وی در محضر امام حسن عسکری (ع) نیز کفایت می‌کند.

انتساب تفسیر به امام حسن عسکری (ع) در میان علمای امامیه به سبب ضعف سند و متن آن مورد اختلاف است. در کتب رجال، به استثنای الضعفاء ابن غضائری (نک: قهپایی، تفرشی، همانجاها) و الرجال علامه حلی (همانجا) نصی بر توثیق یا تضعیف راویان این تفسیر وارد نشده است. استرآبادی نیز که ابن بابویه از او به عنوان شیخ حدیثی خود یاد می‌کند (من لا یحضره... ۱۰۰/۴)، در منابع رجالی نصی بر توثیق وی وارد نشده است، حتی ابن بابویه نیز در آثار خود به توثیق وی نپرداخته است. با این همه، کثرت منقولات ابن بابویه از استرآبادی و تعابیر مختلف وی از استرآبادی در آثار خود (به عنوان نمونه، نک: التوحید، ۴۷، ۲۳۰، معانی... ۴، ۲۴) و ذکر عبارات «رضی الله عنه»، یا «رحمه الله» پس از نام وی (همانجاها)، حاکی از احترام و اعتماد ابن بابویه بر استرآبادی است.

ابن بابویه در کتابهای مختلف خود دو طریق از استرآبادی به این تفسیر را آورده است. وی در برخی از کتب خود از استرآبادی از یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار از پدرانشان از امام حسن عسکری (ع) روایت می‌کند (به عنوان نمونه، الامالی، ۱۴۸، عیون... ۲۰۸، ۲۲۰)، اما در برخی دیگر از کتب خود نیز روایاتی از این تفسیر به نقل از استرآبادی از یوسف بن محمد بن زیاد از پدرش از امام حسن عسکری (ع)

شیرازی، مشهور به میرزا بابا، عبدالله بن نجم‌الدین مشهور به فاضل قندهاری و علی بن حسن زواری را گزارش کرده است (۹۰-۸۹/۴). علاوه بر این نیز ترجمه‌ای از محمدباقر یزدی از این تفسیر با نام *جواهر الایمان* (ج ۱۳۱۸ق) در دست است.

مأخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ ابن بابویه، محمد، *الامالی*، بیروت، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ همو، *التوحید*، به کوشش هاشم حسینی تهرانی، تهران، ۱۳۸۷ق؛ همو، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ق؛ همو، *عیون اخبار الرضا*، نجف، ۱۳۹۰ق/۱۹۷۰م؛ همو، *معانی الاخبار*، تهران، ۱۳۶۱ش؛ همو، *من لا یحضره الفقیه*، به کوشش علی آخوندی، تهران، ۱۳۹۰ق؛ همو، *النبوة*، تهران، ۱۳۸۱ش؛ ابن‌شهر آشوب، محمد، *معالم العلماء*، به کوشش محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م؛ همو، *مناقب آل‌ابیطالب*، قم، انتشارات علمیه؛ بحرانی، هاشم، *البرهان*، به کوشش محمود موسوی زرنندی، تهران، ۱۳۳۴ش؛ بروجردی، ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، ۱۳۷۵ق؛ تفرشی، مصطفی، *تقدیر الرجال*، قم، انتشارات الرسول المصطفی؛ *التفسیر*، منسوب به امام حسن عسکری(ع)، قم، ۱۴۰۹ق؛ حرعاملی، محمد، *وسائل الشیعة*، بیروت، ۱۳۹۱ق؛ حویزی، عبد علی، *نور الثقلین*، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات علمیه؛ خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ شوشتری، محمدتقی، *اخبار الدخیلة*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۴۰۱ق؛ طبرسی، احمد، *الاحتجاج*، به کوشش ابراهیم بهادری و محمد هادی، تهران، ۱۴۱۳ق؛ علامه حلی، حسن، *الرجال*، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م؛ فیض کاشانی، محسن، *الصافی فی تفسیر القرآن*، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۸۴ق؛ قرآن مجید؛ قهپایی، عنایت‌الله، *مجمع الرجال*، به کوشش علامه اصفهانی، قم، ۱۳۶۴ش؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ مجلسی، محمدتقی، *روضة المتقین*، قم، ۱۳۹۹ق؛ نوری، حسین، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم، ۱۴۱۶ق. مهدی لطفی

تفسیر بیضاوی، از تفاسیر مختصر و بسیار مشهور از سده ۸ق/۱۴م، تألیف ناصرالدین عبداللّه بن عمر بیضاوی (ه.م). نام اصلی این اثر چنان که در مقدمه مؤلف آمده، *انوار التنزیل و اسرار التأویل* است. این تفسیر که به اتفاق آراء اهل نظر در میان تفاسیر کم‌حجم قرآن کریم از محققانه‌ترین تفاسیرهاست و سالیان دراز یکی از کتابهای درسی مجامع دینی بوده است. گزیده‌گویی، اجتناب از بحثهای استطرادی و دقت فراوان در تبیین مباحث، از ویژگیهای این تفسیر است. در طبقه‌بندی تفاسیر اهل سنت، تفسیر بیضاوی از جمله تفاسیر به رأی ممدوح به‌شمار می‌آید. این کتاب در حقیقت، در برابر کشف زمخشری به نگارش درآمده، و گرایش به فکر اشعری از نکات بارز این تفسیر است. مطالب تفسیر بیشتر برگرفته از کشف زمخشری و تفسیر کبیر فخرالدین رازی است.

درباره انگیزه نگارش تفسیر بیضاوی باید گفت که مؤلف در مقدمه کوتاهی دیدگاه خود را نسبت به علم تفسیر، دانشهای مورد نیاز برای مفسران و انگیزه نگارش اثر خویش اظهار می‌دارد. او که گرانمایه‌ترین و شریف‌ترین علوم را علم تفسیر می‌شمارد، بر آن است که رأس و رئیس همه علوم دینی و اساس و مبنای قواعد شرع، تفسیر است و تأکید می‌ورزد که سزاوار

نیست کسی به آن دست یازد و به بحث در این مقام بپردازد، مگر آنکه در اصول و فروع معارف دینی، چیره‌دست، و در علوم مربوط به زبان عربی و فنون و صناعات ادبی سرآمد باشد. بر پایه یادکرد مؤلف در مقدمه، وی کوشش داشته است تا چکیده زلال اندیشه بزرگان صحابه و تابعین را در کنار نکات ارزنده و لطایف تفسیری از خود و فاضلان متأخر و محققان بزرگ گرد هم آورد (نک: بیضاوی، ۴-۳/۱).

در باب چگونگی ترتیب مطالب در تفسیر بیضاوی باید گفت که روش مؤلف در پرداختن به آیات و سوره‌ها چنین است که در آغاز هر سوره ابتدا نام سوره و سپس مکی یا مدنی بودن آن و نیز شمار آیات هر سوره را ذکر می‌کند. وی گاه به بیان اختلاف مکی یا مدنی بودن آیاتی از یک سوره (برای نمونه، نک: ۶۶/۲، ۱۶۶، ۴۳۳، ۵/۳، ۱۳۲)، یا بیان اختلاف در شمارش آیات یک سوره می‌پردازد (برای نمونه، نک: ۶۶/۲، ۱۶۶، ۵/۳۰).

بیضاوی تنها در ۵ مورد به ذکر نامهای دیگر سوره‌ها می‌پردازد. آن ۵ مورد عبارت است از سوره‌های فاتحة‌الکتاب (۵/۱)، توبه (۱۶۶/۲)، یس (۴۳۰/۳)، محمد(ص) (۱۴۵/۴) و ملک (۲۹۷/۴).

در باب دقایق زبانی و ادبی در تفسیر بیضاوی، چنان‌که حاجی خلیفه (۱۸۷/۱) می‌نویسد، وی در آنچه مربوط به اعراب و معانی و بیان است، بر کشف زمخشری تکیه دارد (برای نمونه، نک: بیضاوی، ۱۰۴/۱؛ ذیل آیه ۵۸ سوره بقره؛ قس: زمخشری ۱۴۳/۱؛ بیضاوی، ۱۲۷/۱؛ ذیل آیه ۹۹ سوره بقره؛ قس: زمخشری، ۱۷۱/۱؛ بیضاوی، ۱۸۸/۱؛ ذیل آیه ۲۱۷ سوره بقره؛ قس: زمخشری، ۲۵۸/۱).

میزان اثرپذیری بیضاوی از کشف زمخشری به‌حدی است که برخی هنگام معرفی آثار بیضاوی به جای عنوان تفسیر بیضاوی یا *انوار التنزیل* از مختصر *الكشاف* یاد می‌کنند (داوودی، ۲۴۸/۱). رابسون ذیل مدخل بیضاوی در «دائرةالمعارف اسلام»، *انوار التنزیل* را در حقیقت تهذیب و ویرایشی از کشف زمخشری دانسته است (نک: EI²).

یکی دیگر از منابع مورد استفاده بیضاوی به‌ویژه در لغت و اشتقاق و بیان دقایق زبانی و ادبی قرآن کریم، تفسیر راغب اصفهانی است (حاجی خلیفه، همانجا). صاحب کشف *الظنون* همچنین ذیل مدخل *تفسیر الراغب* از آن به عنوان یکی از مأخذ *انوار التنزیل* بیضاوی یاد می‌کند (حاجی خلیفه، ۴۴۷/۱).

در باب قرائت، تفسیر بیضاوی افزون بر توجه به قرائات عشر (برای نمونه‌ای از توجه به یعقوب، نک: بیضاوی، ۱۱/۱، ۴۸/۳؛ نیز قس: EI²). به قرائتهای شاذ و نادر منسوب به قراء متقدم نیز گاه توجه داشته است (مثلاً نک: ۴/۱).